

## قرآن و حقایق طبی

یکی از مسائل طبی که بواسطه پیشرفت علم طب در قرن اخیر معلوم شده است مسئله گلوکوم، یعنی سفید شدن چشم میباشد.

این نوع کوری چشم بتصدیق پزشکان جدید در نتیجه بروز تغییراتی است در عروق شرعیه و این تغییرات در عروق شرعیه نیز ناشی از اسباب و عللی است که مهمترین آنها انفعالات عصبی و فشارخون میباشد.

همانطور که انفعالات شدید عصبی باعث ازدیاد فشار خون میباشد و انسانرا اغلب اوقات دچار سکنه میکند همینطور انفعالات شدید عصبی با تغییرات ناگهانی که در عروق شرعیه روی میدهد ممکن است تولید سفیدی چشم یعنی گلوکوم، و نابینائی بنماید.

در زمان نزول قرآن و مدتها بعد کسی از این مرض و موجبات پیدایش آن اطلاعی نداشت و هیچ يك از پزشکان نمیدانستند در آن زمان اساساً مرض گلوکوم چیست تا چه رسد باینکه علل پیدایش آنرا بدانند باینحال خداوند در آیه ۸۴ از سوره یوسف فرموده است، و تولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف و ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم، یعنی ورو بگردانید از آنها و گفت تأسف بر یوسف و چشمان او سفید شد از اندوه و او خاموشی اختیار کرد.

در این آیه خداوند میفرماید پس از آنکه خیر از بین رفتن یوسف پیدایش یعقوب رسید بنا بر علاقه مفراطی که یعقوب بیوسف داشت از شنیدن این خبر وحشت اثر از شدت حزن و غم و اندوه چشمانش سفید شد یعنی با اصطلاح امروز مبتلی بگلوکوم گردید.

نکته‌ئی که در این آیه است اینست که خداوند سفید شدن چشم یعقوب را بر اثر حزنی بیان فرموده است که بعد از شنیدن خبر ناگهانی فقدان یوسف بر او رو داد و در ظاهر خبر ناگهانی شنیدن و حزن ربطی بسفیدی چشم ندارد ولی در باطن ایندو موضوع بایکدیگر ارتباط دارد زیرا که شنیدن خبر ناگهانی

فقدان یوسف، حضرت یعقوب را دچار انفعالات عصبی نمود و تغییراتی در عروق  
شعریه او ایجاد نمود که باعث سفید شدن چشمانش گردید و ارتباط این دو موضوع  
با هم و همینطور علت نابینائی را موضوع مزبور دانستن چیز است که حالا معلوم  
شده است و در زمان پیغمبر اکرم معلوم نبوده. یکی دیگر از حقایق طبی که  
در قرآن بآن اشاره شده است موضوع محل اجتماع و تمرکز ذریه (اسپرما توزئید)  
میباشد که در قدیم بطوریکه ظاهر امر هم نشان میدهد محل آنرا در جزء انتهای  
بدن در بین دو پا در خصیه (بیضه) میدانستند در صورتی که خداوند در قرآن  
فرموده است: «و اذا خذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم، یعنی و هنگامی که  
پروردگار تو ذریه بنی آدم را از پشتهای آنها گرفت.»

بطوریکه صریح آیه شریفه است خداوند مرکز ذریه (اسپرما توزئید) را  
در پشت نشان داده است نه در بین دو پا و این مطلب اشاره به جنین شناسی امروز  
است که معلوم شده موقعی که مقل در شکم مادر است بیضه در پشت طفل قرار  
دارد یعنی در زیر کلیتین و اعضائیکه بیضتین را درست میکنند از همینجا میروند  
و آن اعضا، تاماهای نزدیک بولادت طفل در پشت قرار دارد و در نزدیک ولادت  
یا هنگام ولادت بمحل بعدی خود یعنی داخل بواسط بیضه میشوند حتی در بعضی  
اطفال چند سال هم از موقع ولادت میگذرد و هنوز بیضه بمحل ثانوی خود پائین  
نیامده و با اصطلاح طفل مبتلای بیماری خصیه غیر نازله میشود

با اشاره و توجه بمطالبی که ذکر شد معلوم میشود که مقصود از آیه مزبوره  
بیان همین موضوع میباشد و پیش از اینکه علم جنین شناسی کامل شود کسی این قسمت  
را نمیدانست و باور نمیکرد که ذریه (اسپرما توزئید) در پشت قرار دارد در صورتیکه  
در این آیه خداوند بطور صریح آنرا بیان فرموده و محل آنرا نشان داده است.